

صنعت بالادستی اکتشاف و تولید و چالش بین‌المللی شدن

بیژن مستقل • سردبیر |

۲۹ اردیبهشت هم گذشت؛ در یسناها این امشاسپند را اشا و هیشتا می‌خوانند. نیکوترین بهشت، ماهی که نشانه و سمبل آن آتش و پاکی و برکت برای نیاکانمان بوده و هست.

مردم غیور و هوشمند ما با حضور بیش از چهل میلیونی خود در پای صندوق‌های رأی در این ماه پر برکت نشان دادند که با جدیت به دنبال مطالبات خود هستند و جوانان فهیم و ارزشی ما در جای‌جای میهن جاودانمان در پی تحول، حرکت، پویایی، تولید، اشتغال و قبول مسئولیت بیشتر.

البته در کنار چنین انگیزه‌ای، برای پرسنل شرکت ملی نفت، صحنه‌ی رقابت‌های بین‌المللی و هوشیاری رقبا در عرصه‌ی تعاملات جهانی هرچه دشوارتر شده و ظهور سیاست‌های نوین همسایگان ثروتمند و حاتم‌بخش‌مان نشان می‌دهد که پیمودن این راه فقط در سایه‌ی برنامه، حمیت و مدیریت یکپارچه از یک طرف و تبیین سیاست‌های منسجم و وحدت رویه در ارکان تصمیم‌گیری و اجرا در پایه‌ای‌ترین و حساس‌ترین محور توسعه‌ی اقتصادی کشور یعنی صنعت بالادستی نفت از سوی دیگر ممکن خواهد شد. بازار مذاکرات و پیشبرد رایزنی‌های فنی، مالی و حقوقی در برنامه‌ای منسجم با رویه‌های ساختارمندی در حال گسترش است و بسیاری از میادین خشکی و دریایی الویت‌دار و مستعد در چارچوب این مذاکرات به مراحل نهایی و تعیین شرکت بین‌المللی مجرب و آماده به کار جهت عقد قرارداد می‌رسند. امید است به‌زودی

چنان به شور و شغف و امی‌دارند که ناخودآگاه به این موضوع فکر می‌کنیم که ما چه چیزی کمتر داریم که آنها از نقاط دور دنیا با اقتصادی نه‌چندان قوی و با تیم‌هایی که از نظر تخصصی و فردی هم از ما بالاتر نیستند، این‌قدر با انگیزه، سیستمی و تیمی به کشور ما آمده‌اند و می‌خواهند خود را در بازار بالادستی نشان بدهند و ما با این همه پتانسیل کارشناسی و مدیریتی فقط در زمین خودمان بازی می‌کنیم و هنوز در عقد قراردادهای نفتی در خارج از کشور بستر شایسته و بایسته‌ای برای برون‌رفت از زمین خودی و بازاریابی بین‌المللی نداریم.

در واقع ما بین‌المللی شدن را فقط در داخل کشور تمرین می‌کنیم. یکبار موضوع PIOC را در مقابل NIOC به‌عنوان بازوی رویکرد برون‌گرایی نفت مطرح کرده‌ایم. این موضوع که چرا ما در چرخه‌ی ارزش بالادستی به‌صورت منسجم به فکر برون‌رفت از داخل کشور نیستیم هنوز سئوالی بی‌پاسخ و چالشی اساسی باقیمانده است.

بتوان کام ملت شریف ایران را با موج جدیدی از خبرهای خوشایند از راه‌اندازی بسیاری از این طرح‌ها شیرین کرد و جان تازه‌ای به مناطق جنوب، مرزی و مشترک ایران با همسایگان خود در دریا و خشکی بخشید و به‌خصوص سامان‌دهی بخش اعظم تأسیسات سطح‌الأرضی بسیاری از این میادین را که اغلب رو به استهلاک هستند محقق گرداند. این‌گونه قراردادهای به‌ویژه در میادین در حال تولید می‌تواند بازسازی و نوسازی تأسیسات سطح‌الأرضی را به ارمان بیاورد.

به‌ر حال با وجود اینکه شتاب بین‌المللی‌سازی در پروژه‌های بالادستی با قاعده‌ی ستادی و دولت‌سالاری فعلی از نرخ جهانی‌اش کمتر و کندتر به‌نظر می‌رسد اما از همین حالا می‌توان آغاز تحولات اساسی در بخش بالادستی را در مذاکرات با شرکت‌های بین‌المللی در سیمای کارشناسان و مدیران مشاهده کرد. بسیاری از شرکت‌های نوپای خارجی با پیشینه‌ای اندک در بنگاه‌داری اقتصاد بالادستی، در جریان مذاکرات، ما را



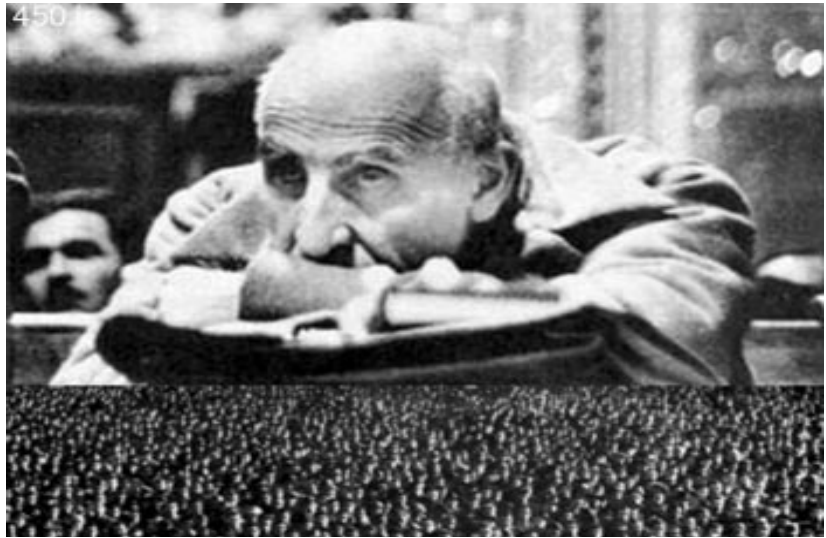
XIX. ISMAINI, ON THE KARUN



کجا به غروب می‌رسد؟! مدیرانمان هر روز این سؤال را از خود بکنند. به نظر ما این ذخایر خدادادی که در کشور هست و قریب یک‌صد سال است آنها را شناخته‌ایم و روی آن کار می‌کنیم، همه‌ی جهان نیست؛ همان‌طور که پارس جنوبی هم همه‌ی ذخایر گاز جهان نیست. می‌توانیم به‌وسعت همه‌ی جهان فکر کنیم و برنامه‌ریزی نمائیم. در کنار برخی از این کشورها که با اشتها و تقلا و خود باوری در مقابل ما چانه می‌زنند گاهی دچار غبن، حسرت و خجالت می‌شویم. بیایید این شرکت‌های E&P

مستعد و شناخته شده را کنار یک سازمان بین‌المللی با اراده و صاحب دیدگاه، از درون نفت به گستره‌ی کل دنیا اعزام کنیم و بعد در ساحل لنگرگاه‌هایمان با لبخند و مسرت منتظر دریافت دستاوردها و غنیمت‌هایشان باشیم.

شاید این حسرت بیهوده که بر دل داری شعله گرمی امید تو را خواهد کشت زندگی درک همین اکنون است زندگی شوق رسیدن به همان فردایی است که نخواهد آمد



فن آوری و دانش بود سفرای انگلستان در ایران و هندوستان بعد از پایان مأموریتشان فیلسوف و نویسنده و تحلیلگر از کار درمی‌آمدند؛ چراکه کشورشان در اعزام آنها برای فتح قله‌های پیشرفت و منابع و ذخایر جهانی با اشتهایی وصف‌ناپذیر، اراده‌ای نیرومند، هوشمندانه و با برنامه، دست به انتخاب و سازماندهی می‌زد؛ یعنی در یک‌جای تاریخ، یک جزیره برای فتح همه‌ی جهان، و بیرون از خود یک دیدگاه داشته تا هرگز خورشید در امپراتوریش غروب نکند. خورشید ما از کجا طلوع می‌کند و

یعنی در طول سال‌های بعد از انقلاب هیچ‌گاه موقعیتی پیش نیامد که ما یک شرکت منسجم بین‌المللی که کارش ورود به پروژه‌های بالادستی و تجارت اکتشاف و تولید در خارج از مرزها باشد بسازیم؟ وزارت نفت و شرکت نفت درون‌گرا در حوزه‌ی بالادست نشانه‌ی کدام بیماری است؟! چرا باید کل مدیریت بین‌المللی وزارت نفت دعوت خارجی‌ها به داخل باشد؛ که البته امری ضروری است؟ اما سؤال اینجاست که هیچ‌گاه به این فکر نکرده‌ایم که حتی در حد خودمان پایمان را بیرون هم بگذاریم، سرمان را هم بالا بگیریم و بگوئیم بله ما هم می‌توانیم با یک سازماندهی منسجم برای شکار فرصت‌ها اقدام کنیم.

آیا سرمایه و تخصص و ابزار و مدیر بین‌المللی و کارشناس نداشتیم؟! یا آن‌قدر میدان نفتی و گازی در اندازه‌ها و احجام مختلف کشف کرده و در حال توسعه داریم که دیگر فرصتی یا اصلاً اشتهایی برای اقتصاد بالادستی برون‌مرزی نمی‌ماند. نوع نگاه یک کشور و یک تمدن را می‌توان در لابلا‌ی تاریخ و جهان بینی‌اش جستجو کرد. در دهه‌هایی که اقتصاد غرب در حال شکل‌گیری در سایه

